

# کتب فلسفی و ادبی

# تہائیں سوچ دار

卷之三十一

—  
—  
—

卷之三

A horizontal band of solid black noise, likely a placeholder or a blank area in the original document.

شما امی گوید که مشکل در هزینه هاست که انقدر بالا است که حتی اگر او پنجاه و دو درصد کل مبلغ را هم برداشت صرف ننمی کند. نه کارگر صحنه مایل است خود را منشاً مشکلات بداند، نه نویسنده و نه بازیگر. همه چیزی که می توان گفت آن است که نمایشنامه ای که برای نسل قبل کمتر از چهل هزار دلار هزینه بر می داشت اکنون سربه یک میلیون میلیون یا حتی دو میلیون دلار را بالاتر از آن زده و قیمت بیلت از چهار یا شش دلار به هفتاد و پنج دلار و بیش از آن رسیده است. این سیستمی است که به راستی بدن خود را زنده خورده است.

در بطن این هیولا همچون همیشه پول است و کشکوشهایی که پول بر می انگیزد. هر جا که دولت برای تولید سرمایه‌گذاری می‌کند، مانند انگلستان که قسمتی از تاثیر آن به این صورت اداره می‌شود یا مناطق دیگری در دنیا، گرایش ذاتی دولت به سانسور باید مهار شود؛ و جایی که سرمایه‌بخش خصوصی این امر را بر عهده دارد باید بحر ص و از لگام زدن تاثیر را به امید بازگشت بیشتر سرمایه در ورطه پیش‌پالتفاتگی اینچه ادعا می‌شود زندگی توده‌های عظیم اجتماع است، تلغیزاند. تاثیر اصل‌ازاده شده تا چون شعله‌ای که از خود اخگر می‌پرآکند، مشکل بیافریند، اما اکنون در وضعیتی به سرمی بریم که خود فراتر از مشکل است. اکنون باید در آنها، که به تغییر - شاید واژه درست نجات باشد

نوع ورزش استهچیزی که برای انعکاس یک سرمایه‌داری پرورب و تاب و لذت بردن از خطاپذیری آن و هیجان از رویدادی ای «همه را بیر یا همه را بیاز» خلق شده. این شیوه زندگی تئاتری در لیپویورک ما تاریخ مصرفش در مورد نمایشنامه‌های صریح<sup>۲</sup> به پایان رسیده است، چنین سیستمی دیدگر در تئاتر غیرموزیکال کاربردی ندارد و سالهاست که نداشته است. زمان آن فرا رسیده که به جایگزینهای برای آن بینندگیشیم.

گاهی اوقات شک می کنم که آیا اصلًا زمانی بوده که می شد از وجود یک شرایط ثابتی «سالم» سخنی به میان اورده؟ عصر کلاسیک یونان، که در آن شاهکارها یکی پس از دیگری ظهرور می کردند معمولاً حسی از آرامش و وقار را در ما می دهد، مانند کشتن عظیمی که با چندین تن آب که بر عرش هایش فرمی ریخت دریاها طوفانی را در می نوردند. اما وقتی که ادم خوب فکر شد را می کند داستانهای مربوط به کوراکی<sup>۳</sup> هارا به یاد می آورد مردان ژروتمندی که برگزیده می شدند تا افتخار پرداخت هزینه های گروه گزین را بر عهده بگیرند و تمام کوشش خود را به کار می بستند تا سر افراد شاخص و برجسته را به زیر آب کنند. کافی است کسی بیست صفحه از آثار آریستوفان را بخواند تا فضای غیبت و تهمت و تظاهر و خبث طبیعتی را که تاثر یونان در آن داشت و یامی زد به خوبی احساس کند. این طور که بیدارست چنین فضای

- تولید نمایش در سطح حرفه‌ای علاوه‌مند روحی تازه دمید. من در احساس قدر شناسی نسبت به واردات سالیانه نمایشنامه‌های بریتانیا به برآورده و خارج از برآورده<sup>۴</sup> سهم هستم و ذکر این نکته راهم که همه این نمایشنامه‌ها تقریباً بدون استثناء از تئاتر یارانه‌دار برآمده‌اند، سودمند می‌دانم. نمی‌توان تصویرش راهم کرد که پس از پیغام<sup>۵</sup> یک استوارهاد عیک هیز<sup>۶</sup>، یا یک فریم<sup>۷</sup> را بتوان درست آنداز بازاری لندن پیروزد. این نمایشنامه‌نویسها همه می‌خواهند از آن منکی به شانس بودند و مخاطبانشان محدودتر از آن که تضمینی برای یک سرمایه‌گذاری سودآور باشند. خلاصه کنم، جماعتی بریتانیا ملتی طولانی است که در بخش مهمی از تئاتر نیویورک سرمایه‌گذاری کرده است.

به نظر می‌رسد که اینه یارانه‌دار کردن هر نوع هنری،

به نظر می رسد که ایندیه یارانه دار کردن هر نوع هنری، به ویژه تئاتر، در ذهن بیشتر سیاستمداران آمریکایی - و حتی تعدادی از منتقدان و مقاله‌نویسان متوجه شده است. به نظر آنها تئاتر یارانه دار در حکم نوعی تکیه گاه است که هنرمندانی را که عرضه کسب سود در عرصه طاقت‌فرسا و داروینی هنر را ندارند سپاهانگه می‌دارد. هرچه باشد بسیاری از مردم از کسب و کار تئاتر بول و پلهای به هم زده‌اند چرا این گذاها توانند؟ علاوه بر آن، آیا اجاعت حاضرین را داری، سه از گذشته نیست؟ حالاً که تقریباً تمام این تئاترها اساساً مملی به موزیکال یا لرنسیکلار هستند، باشد مردم تصمیم گیرند که می‌بایست تئاترهای صریح بالتعلیماتیستم مانند همه تئاترهای صدر مملی می‌گردند و می‌توانند کلیمیش را آلبومی بروون، و گنبد جوهر است دست بکشد و به همایه کارگاه‌های موسیقی

سفر من کنند تا یک نمایشنامه شاهکار تازه پیدا کنند قابلیت خواندن و قضاوت کردن یک متن با لاقل خواندن نقدهای مربوط به آن را نداشته باشدند یا همت این را که در میان تمثیل‌پیان نشینند و خنده و گزینه آنها بایستند و آنچادر مورد قرارداد بستن تصمیم بگیرند؟ من بی سوادی چنین افرادی را بیشتر می‌توانم باور کنم تا این فکر را که هنر نمایشنامه توییسی در ایالات متحده‌ای با دویست و پنجاه میلیون نفوس، خیلی راحته آب شده و در زمین فرو رفته است.

به دلایلی که نمی توانم به دانستن شان تظاهر کنم، تعداد  
نمایشنامه نویسها در هر دوران از تعداد انجکشان یک دست  
چنانچه بگذارد. شاعرها، رمان نویسها، مقاله نویسها، پرتره‌نگاران  
اما نمایشنامه نویسها دو سه تا بیشتر نیستند. ما در حال  
حاضر بیش از این تعداد داریم اما  
در بیشتر تئاترهای سودازده جهان  
جالی برای آنها نیست. آیا واقعاً  
این سازمان تجاری تئاتر حرفه‌ای  
است که از شکوفایی تئاتر  
جلوگیری می‌کند مخصوصاً در  
نیوپور که جالی که تئاتر همچون  
روح مکان برای اقتصاد اهمیت  
دارد؟

اما وقتی که تاثیر برآورده، تا  
آنجاکه به تولید نمایشنامه‌های  
صریح ارزیشناز مربوط می‌شود،  
نهوض و نظرور مسلمان از جنیه

باید این مسئله را باشد از مردمان  
و دلیل استگی و ایمان آنها خلق چیزی  
بخت در این مورد مشکل استه چون به جوی که  
بر انجا حاکم است و حس فرد نسبت به آن مربوط می شود.  
نمایشنامه نویسهای آنچنان متفاوت با هم از قبیل کلیفورد  
اوتدس<sup>۱۵</sup> و یوجن اونیل<sup>۱۶</sup> از تجارت زدگی مطلق تا غریب نیویورک  
متغیر بوده اند و به سختی می توان باور کرد که هنرمندی بتواند  
آن را دوست داشته باشد حتی اگر از آن عده ای باشد که در انجا  
ترویج هم زده اند. احساس خود من این است که آن جو اکتون  
حتی بیش از آنچه نسل قبلی را به شکایت و امنی داشت رو به  
انحطاط رفته است. شاید این به بزرگ سرمایه ای مربوط باشد  
که اکتون لازم استه اما این هم هست که زمانی تفاهم خاصی  
میان تهیه کننده و هنرمند وجود داشته برای بری مساعدت آمیز میان  
افرادی که وظایف متفاوتی داشتند اما مکمل هم بوند و اکتون  
به رابطه کار فرما. کارمند شیوه شده است که کویا و قمایک چاله جانی  
قدرت رخ داده است. تهیه کننده گان این روزها از اینکه تولیدی را  
به یک نویسنده «سپرده اند»، صحبت می کنند اما انکار که انگیزه  
این معامله به هیچوجه کسب سود نبوده بلکه دست و دلبازی و

بزرگواری کسی بوده که نه تنها اجاره ساختمان تاثیر را  
می پردازد بلکه مالک خود هم را بسته، در این میان منطقی  
خطراناک، اگرچه سطحی و مبتلا شده بود دارد؛ که سوداگر  
همیشه حاضر است اما نویسنده کارگران و بازیگران ممکن  
است گاهی برای سالها غیبتگردی بزند بیش از آنکه با  
نمایشنامه‌ای جدید و نقشه‌های جدید دوباره ظاهر شوند. پس  
چنین توهمن بدل‌گری پروره‌ای دارد که کسب و کار تاثیر  
یک کسب و کار است و هنر بجهات انتشار است و امدمیامد  
دارد. درواقع هم‌آکتون تهیه کنندگان به مخصوص تمام تلاش  
و کوشش خود را مصروف آن کوششان که سلطنت سنتی  
نویسنگان را که در طول چندین نسل مالکیت و سلطه بر  
منتهای خودشان داشتند فرو ببریزند و سلطه تهیه کننده را  
جاگیریزی آن سازند و حتی اگر مالکیت مطلق متن نباشدند  
لائق حق همه نوع تغییرات دلخواه در متن او را داشته باشند.  
برخی فکر می‌کنند که ما به سوی یک سیستم هالیوودی  
می‌رویم، جایی که تهیه کننده منتهای را من خرد یا سفارش  
می‌دهند و نویسنده که به انتهایی دیگر یوتوم سقوط کرده با  
یک مرتبه پرداخت هیچگونه نظارت یا حقی در قرارداد ندارد.  
سیستم هالیوود هم درواقع از راه و رسم قدیمی برآورده  
سرچشمۀ گرفته که تهیه کنندگان نمایشنامه‌ها را می‌خریند  
و نمایشنامه‌ای را که عنوان نویسنده به انتها سنجاق می‌کرندند  
خواهند داشت. <sup>۱۷</sup> این اتفاقی است که نویسنده‌ها باید باید  
نمایشنامه‌ای را که از نظر ادبی و فنی معتبر باشد، بپردازند.

دلشان می خواهد نمایشنامه های صریح را روی صحنه های برآمودی بینند. آنچه شکست خورده سیستم تولید است. سیستم تولیدیه حاکم شدن یک دیدگاره و جامع و بازنشاختن عناصر اصلی و اساسی تاثیر - نویسنده کارگر دان، بازیگر، تمثیلگر نیاز دارد. هر کس بتواند این عناصر را درباره گرد هم اورده باشیست تحسین و قدر شناسی استه اما به استثنای چند مورد حسن صلاح اتفاقی، اکنون مخاطرات سرمایه گذاری خصوصی اتفاقی بزرگ شده که دیگر بعید به نظر من رسید کنس بتواند از عهده این کار برآید. اکنون باید به امید و انتظار چیزی باشیم که ابته تازه هم نیسته بلکه به انتزاع خود تاثیر قدرت دارد. یارانه دادن به حداقل بخشی از تولیدات با سرمایه گذاری خصوصی یا عمومی یا ترکیبی از هر دو. با تجربه ای که من در دو تاثیر بزرگ که یارانه بسیاری از دولت می گرفتند کسب کردم. در چن و سوئی توکشوری که من «مرگ دستفروش» را کارگردانی کردم - می توانم ببرخی از مایه و مزایای این روش را بر شمارم. فکر من کنم بدلترین مشکل آنها که اجتناب ناپذیر است دیوانسلا ری باشد. افراد در مشاغل دولتی جا خوش می کنند و دیگر نمی توان از جایشان تکان داد. مهم نیست که چقدر شایستگی دارند یا حتی هوش و حواسشان به کارشان هست یانه (در استکهلم) هو دانم الخمر داشتم که در صحنه «دستفروش» ایرانوریک گفت صحنه مخفی بودند و هنگامی که به آنها علامت داده شدند از خستگی و راضیان بیاورند، مست و لایعقل در

Arthur Miller: *comes down the corridor*  
Collected Stories 1947-71...  
Pantheon Books, New York, USA, 1971  
P.M.-N.Y.

(این مقاله در سال ... تألیف شد) ... میتوانست تزلزل را در  
دور میر با نام (Shakes down the corridor) ...  
۱. مسابقه کاوجران (کاچران) ... مسابقات مذکووهایی  
که میتوانند زلزله ایجاد کنند.

پک درام عالی مصلحت و ارزش	Straight play .۳
کورز با کوره	Choreagi .۴
کارهای تئاتر شده آنست	Off Broadway .۴
	Pinter .۵
	Stoppard .۶
	Hare .۷
	Freyn .۸
	West End .۹
	Olivier .۱۰
	Richardson .۱۱
	Gielgau .۱۲
	Gambon .۱۳
	Guiness .۱۴
	Clifford Odets .۱۵
	Eugene O'Neil .۱۶
	John Golden .۱۷
	Dramatists Guild .۱۸
	Ingmar Bergman .۱۹
	Carl Sandburg .۲۰
	academia .۲۱

برای این اتفاق نهادن و شرکت کردند. همان افراد مذکور  
که در این میان دوست و دوست نهادن از اینهاست، بر تیکانهای خود را آوردند که  
درین استثنای این اتفاق اینها باید خود را از خود بگیرند و بسته از  
آنکه این اتفاق را بازگشایند، آنها را می‌توانند بازگردانند. این اتفاق را بازگردانند  
و ایسین این اتفاق را بازگشایند. این اتفاق را بازگشایند و درین اتفاق را بازگردانند.  
با یارانه کامل و قدرتمند می‌باشد. این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند. این اتفاق را بازگشایند  
و بازگردانند. این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند. این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند.  
امام ممکن است در این اتفاق این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند.  
مسئله وجود نداشت. این اتفاق این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند که درین اتفاق  
پرمخاطرهای با دواهای مخصوص این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند.  
هیچجان پرتاب ناس سیار و سریع و سرمهی این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند.  
که هنوز هزینه‌های کشنده بر تیکانهای خود را آورده اند. این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند.  
نمایش نامه‌های آمریکایی مورد توجه قرار گیرند. این اتفاق را بازگشایند و بازگردانند.  
کشورهای بود. اما آن زمان لوضع به کوشیده بودند و اینکو  
روزگار دیگری است.

تجربة خود من نشان می دهد که پنهان شود و بعدها  
احتمال زیلاییک سیستم ترکیبی است یک هستیسی یعنی  
تاثیر تجاری خصوصی و تاثیر یارانه دار ممکن است تر  
جاهایی وظایف آنها با هم تداخل کند اما در مجموع قدر  
خصوصی بیشتر عرضه کننده سرگرمی است و آن دیگری  
ازد است تا رؤایهای تاثیری مشکل تری را دنبال کند  
اگر تاثیر یارانه دار این امکان را ایجاد کد در رخوت فروبرود  
دچار یک مستی و منگی نهادینه خواهد شد اما لاقل  
بریتانیایی ها نشان داده اند که این امری الزامی نیست و یا  
دست کم مم، توان کاری کرد که مدتی دراز

طول نینجامد. در هر حال، اگر غیر از  
آنچه من برای سیستم حاضر  
بر شماردم راههای جایگزین  
دیگری نیز وجود داشته باشد  
باید شنید و به

